

**سخنرانی دکتر ژ. کوچاریان در ۲۷ آوریل ۲۰۱۳، در مقابل سفارت ترکیه در برلین به مناسبت ۹۸ مین سالگرد (۲۴ آوریل ۱۹۱۵) نژاد کشی ارمنه به دست ترکان عثمانی!**

### **چرا ما امروز مقابل سفارت ترکیه تجمع نموده ایم؟**

در قرن ۱۱ میلادی، با هجوم اقوام ترک به آسیای صغیر، بدبختی ملل ساکن در این منطقه و مناطق همجوار، آغاز گردید! این بلای ناگهانی که بر سر ملل مسیحی ساکن در آسیای صغیر، فرود آمد، مسلمانان همجوار در این منطقه را نیز بی نصیب نگذاشت!

سلاطین عثمانی که پس از سلجوقیان، به قدرت رسیدند، لقب "خلیفه مسلمین جهان" را بر خود نهادند. آنان پس از آنکه کشور های مسلمان بسیاری - از جمله اعراب - را به ضرب شمشیر، به زیر سلطه خود در آوردند، دست به کشور گشایی و توسعه دادن اسلام زدند؛ تا برتری خود نسبت به خلفای عرب را، به رخ مسلمانان بکشند.

ولی زمانی که پس از چندین قرن جنایت، دولت عثمانی در جنگ جهانی اول، شکست خورد و متلاشی گردید، ملت های بسیاری از جمله اعراب، با شور و شعف فراوان، از زیر سلطه عثمانی رهایی یافتند! ولی عربها که زمانی متحد و یکپارچه به ضرب شمشیر، بخش بزرگی از جهان را به زیر سلطه خود در آورده بودند، در سایه اسارت زیر سلطه عثمانی، به چنان فلاکتی گرفتار آمده بودند، که دیگر هرگز نتوانستند یکپارچگی خود را باز یابند!

اما سلطه سلاطین عثمانی، بر ملل مسیحی با سفاکی تمام انجام گرفت؛ زیرا این سلطه حکم "جهاد علیه کفار" داشت، که علاوه بر قتل و غارت، و نابودی مسیحیان، می بایست حیات فرهنگی مسیحیان را نیز، نابود می کردند!

زبان و فرهنگ آرامی - سوری که زمانی به عنوان زبان علم و دانش و فرهنگ حاکم بر منطقه بود، چنان در معرض نابودی قرار گرفت که امروز، فقط در برخی مناطق آثار بسیار ضعیفی از این فرهنگ و زبان، بجا مانده است. علاوه بر آن، ترکان عثمانی فرهنگ کهن یونانی در آسیای صغیر را نیز، نابود نمودند.

اما آنچه زبان و فرهنگ ارمنی را، از نابودی حتمی نجات داد، بقا و رشد آن در دیگر مناطق ارمنی نشین بود، که در خارج از دایره قدرت عثمانی، قرار داشت!

حامیان حکومت عثمانی، پاشاهای فئودال ترک بودند که با غصب اراضی، مردم مناطق تحت سلطه خود را به خاک سیاه نشانده بودند. زمانی که پایه های حکومت فئودالی عثمانی به لرزه

درآمد، "ترکان جوان" در سال ۱۹۰۸، قدرت را به دست گرفتند، تا با علم کردن ترک گرایمی و ناسیونالیسم ترک، حکومت ترک عثمانی را از نابودی نجات دهند! آنا با هدف تصاحب سرزمین های ترک زبانان جنوب روسیه، و نابودی بقایای مسیحیان تحت سلطه عثمانی، دوش به دوش آلمان قیصری، وارد جنگ جهانی اول گردیدند.

طبق سرشماری حکومت عثمانی، در سال ۱۹۱۴، پنج میلیون مسیحی که عمدتاً ارمنه، یونانیان، و آرامیهای آسوری زبان، بودند، در آسیای صغیر زندگی می کردند. این مسیحیان که از کشتارهای سبعانه پیشین نجات یافته و یا از آسیمیله شدن رهایی یافته بودند، می بایست در خلال جنگ جهانی اول، نابود می شدند!

قبل از آغاز نژادکشی ارمنه، اولین کوچ اجباری مسیحیان، که به دست ترکان جوان عملی گردید، همزمان بود با جنگهای بالکان در بین سالهای ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳. این کوچ اجباری یونانیان از تراکیای شرقی، به جنوب شرقی آسیای صغیر بود، که با ۵۰٪ قربانی انسانی، به همراه بود. سپس نوبت یونانیان منطقه ای در وسط آسیای صغیر بود، که در سال ۱۹۱۳ با کوچ اجباری، می بایست، کشته و رانده می شدند. در اکتبر ۱۹۱۴ نیز به فرمان طلعت پاشا، سوری های شرقی و آسوریها به جنوب شرقی عثمانی در درخل مرز ایران که در آن هنگام، در اشغال نیروهای عثمانی بود، رانده شدند؛ که با تحریک پانترکیستها، به وسیله عوامل بومی قتل عام گردیدند.

نسل کشی ارمنه به قصد نابودی آنان، با دستگیری و کشتار روحانیون و روشنفکران ارمنی ساکن در استانبول در ۲۴ آوریل ۱۹۱۵، آغاز گردید. این دستگیری ها که در عرض سه روز به انجام رسید، طبق گزارش مقامات عثمانی ۲۰۳۵ نفر (طبق آمار ارمنه ۲۳۴۵ نفر) بودند، که عمدتاً به قتل رسیدند. مشابه همین دستگیری و کشتار، در دیگر شهرها نیز به طور همزمان عملی گردید. پس از کشتار روحانیون و روشنفکران ارمنی، کوچ اجباری ارمنه که اغلب زنان و کودکان و کهنسالان ارمنی، توام با کشتار به اجرا گذاشته می شود.

\*\*\*

در صد سال گذشته، جامعه نژادپرست ترک، و دولت ترکیه - اعم از کمالیستها، نظامیان، و یا مذهبی ها - نه تنها نسل کشی را انکار نموده اند، بلکه با ادعای این که چون ارمنه به عثمانی خیانت کرده و با روسیه تزاری همکاری می کردند، دولت عثمانی نیز، دستور به کوچ اجباری آنان می دهد؛ و تعدادی از ارمنه، در این کوچ اجباری کشته شده اند؟!

ترکیه که از یکطرف نسل کشی ارمنه به دست ترکان عثمانی را انکار می کند، در سال ۱۹۳۸ خود نیز دست به قتل عام اهالی درسیم زد. بنا به اعتراف خود رجب طیب اردوغان، قتل عام

در سیمی ها، کشتار دسته جمعی بوده است. با توجه به این که در خود ترکیه هیچ اقدامی در محکومیت قضایی کشتار در سیم صورت نگرفت، در سیمی ها به دادگاه بین المللی لاهه، شکایت نموده اند.

ولی علیرغم انکار نسل کشی از طرف جامعه نژادپرست ترک و دولت ترکیه، جامعه روشنفکری ترک در سالهای گذشته با افشا و محکوم کردن نژادکشی ارامنه به دست ترکان عثمانی، به عذرخواهی از ارامنه پرداخته اند! از آن گذشته روشنفکران کُرد ترکیه نیز، ضمن اعتراف به همدستی کردها، در نسل کشی ارامنه، نسل کشی ۱۹۱۵ را محکوم و از ارامنه عذرخواهی نموده اند. اقدامی که بشدت خشم نژادپرستان ترک را برانگیخته است. به همین دلیل پانترکیستها، در صدد هستند تا آثار باقی مانده از ارامنه در آسیای صغیر (ارمنستان غربی) را بطور کلی محو نمایند!

امروز در استانبول - که روزی با نام قسطنطنیه، پایتخت امپراتوری بیزانس بود و اکثریت ساکنانش یونانی و ارمنی بودند - فقط ۱۴۰۰ نفر یونانی ارتدکس، و ۴۰۰۰۰ نفر ارمنی، سکونت دارند، که از قتل عام ها، رهایی یافته اند. در سایه فشاری که بر این اقلیت های قومی، وارد می آید، روز به روز مجبور به ترک ترکیه می شوند.

معدود ارامنه ای که از نژاد کشی ۱۹۱۵ رهایی یافتند، برای در امان ماندن از شناسایی و کشتار در ترکیه، بلاجبار نامهای ترکی و اسلامی بر خود نهادند. به همین دلیل بخش اعظم ارامنه ای که در ترکیه زندگی می کنند، با کتمان ارمنی بودن خود، زبان مادری خود را نیز فراموش کرده اند. در نتیجه امروز، از ارامنه ترکیه فقط ۱۵%، توانسته اند زبان مادری خود را حفظ کنند!

جامعه نژادپرست ترک، با قلع و قمع پیروان دیگر ادیان، سعی نمودند جامعه را یکدست، ترک و مسلمان، بنمایند. آنان قادر به تحمل هیچ قوم دیگری نبودند و نیستند. معدود مراکز دینی مسیحی بجا مانده نیز، امروز به شدت در حال نابودی است. تنها دیر مسیحیان آرامی، که در این سرزمین بجا مانده، دیر "مور گابریل" می باشد، که دولت ترکیه به کمک دادگاه در صدد است، آنجا را از دست معدود مسیحیان در آورد.

کلیسای هاگیا صوفیا که در قرن ۱۳ میلادی، کلیسای قیصر های پوتنی بود، که در سالهای اخیر موزه گردیده بود، بزودی تبدیل به مسجد خواهد شد.

بطوری که پیداست جامعه ترک و دولت ترکیه، قادر به تحمل بناهای بجا مانده از مسیحیان بومی این سرزمین کهن، نیست. آنان در نظر دارند هر ساختمانی را که یاد و خاطره مسیحیان را زنده کند، تبدیل به مسجد نمایند. در حالیکه فزونی مسجد در سرتاسر ترکیه چنان است که گویی این

سرزمین با مسجد فرش شده است. روستاهای بیشماری وجود دارند که در آن ها چندین مسجد وجود دارد، در حالیکه فاقد مدرسه اند.

تا سال ۲۰۰۸، بنا به ماده ۳۰۱ مجازات عمومی، اگر فردی، سخن از نسل کشی به میان می آورد، مجازات می شد. این ماده تحت فشار اتحادیه اروپا، اندکی تعدیل گردید؛ ولی حذف نشد! در حالیکه مسبین قتل و ترور آرامنه از جمله هراند دینک و سواک شاهین، که قربانی نفرت قومی و نژادپرستی شدند، و یا چند مسیحی خارجی در شهرهای مالاتیا و طرابوزان که در بین آنها روحانی نیز بود، هنوز مجازات نشده اند!

از سال ۱۹۹۰ که ایدئولوژی عثمانیزم نوین، تحت حکومت اردوغان، به ایدئولوژی حاکم بر ترکیه، مبدل گردید، و به رقابت با کمالیستها و پیروان "ترکان جوان" پرداخت، هزاران خیابان، پل، مدرسه، کتابخانه، و حتی مسجد بنام آنها، نامگذاری گردید. بطور مثال مسجد بزرگ آنکارا بنام طلعت پاشا، نامگذاری گردید.

نباید فراموش کنیم که دولت ترکیه، یار و یاور دیکتاتور باکو، الهام علیف می باشد، که از سال ۱۹۹۳ به اتفاق هم، ارمنستان را تحت محاصره اقتصادی قرار داده اند. ترکیه در صحنه روابط خارجی با تمام همسایگان خود، مشکل دارد. در داخل نیز، تاب تحمل هیچ انتقادی را ندارد؛ بطوری که ۲۰۰۰ دانشجوی و بیش از ۱۰۰ خبرنگار در زندان به سر می برند. در نتیجه نقض حقوق بشر، و محدودیت آزادی بیان در ترکیه، بیش از ۱۶۰۰۰ شکایت بر علیه ترکیه، به دادگاههای اروپایی واصل گردیده است!

حال که ترکیه نامزد عضویت در اتحادیه اروپا می باشد، نمی دانم باید به اروپا تبریک گفت، و یا تسلیت. ما بازماندگان نژادکشی ترکیه، که در آستانه صدمین سالگرد نژادکشی قرار داریم، با توجه به انکار دولت ترکیه، چاره ای نداریم که برای پی گیری قضایی نژادکشی ۱۹۱۵، به دادگاه بین المللی، مراجعه کنیم! دولت ترکیه با تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا، راه را برای پی گیری قضایی و حقوقی در دادگاههای بین المللی، هموار نموده است!

نابودی آرامنه ارمنستان غربی و نابودی آثار فرهنگی آرامنه، و ۳/۲ آرامنه جهان (آرامنه دیاسپورا) معلول، نژادکشی آرامنه به دست ترکان عثمانی می باشد. سیاست انکار و تحریف دولت و جامعه نژادپرست ترک، نشانه آن است که نژادکشی ادامه دارد. هاگیا صوفیا در طرابوزان و استانبول، و دیر مور گابریل (Mor Gabriel) در طورابدین و سولما (Sulema) در پونتوس (Pontos)، کوه آرات، و خرابه های شهر باستانی آنی و کلیسای صلیب مقدس در جزیره آختامار در دریاچه وان، را ما فراموش نخواهیم کرد، تا باز پس بگیریم!

دولت و جامعه نژادپرست ترک، که در حق چند ملت، بطور دنباله دار دست به نسل کشی زده است، همچون "قاتل سریالی" (Seriemörder) است که اقدامات جنایتکارانه اش تداوم دارد!